مروری بر نظریه پیاژه/ خودمداری کودکان در مرحله اعمال/ مقدماتی در زمینه هماهنگی- تجسم فضایی اشیاء

درویزه، زهرا

کلمات کلیدی :

چکیده:روانشناسان رشد یافته‏های آزمایشگاهی خود را غالبا به دنیای واقعی تعمیم می‏دهند.

در حالی که ممکن است آنها در بررسی آزمایشگاهی خود، در مورد پدیده‏ای تحقیق کنند که برای اولین بار رخ می‏دهد.مطالعه محققان بعد از پیاژه نشانگر این واقعیت است که یافته‏های پیاژه متکی بر الگوهای آزمایشی بوده است، و چنانچه روش و شرایط آزمایش تغییر یابد، نتایج نیز ثابت نخواهد ماند و برای رسیدن به نتایج قطعی و دقیق باید بررسیها را از الگوهای آزمایشی به دنیای واقعی تعمیم داد.

مقدمه

یکی از مهمترین آزمایشهای پرفسور ژان پیاژه مشکل هماهنگی تجسم اشیاء را در کودکان 3 تا 4 ساله(مرحله اعمال مقدماتی: )pre-operational(

مطرح می‏کند نتیجه این آزمایش نشان داد که تا زمانی که کودک به مرحله بالاتری از اعمال ذهنی(مرحله اعمال رسمی:

)Formal-operation(

نرسد، از توانایی هماهنگی تجسم اشیاء عاجز خواهد بود.پیاژه در آزمایش خود برای اثبات این ادعا از تصویر 3 کوه بر روی یک کارت استفاده کرد.این 3 کوه دارای مشخصات مجزا از یکدیگر بودند.وی تعداد 100 تن از کودکان 4 تا 12 ساله را مورد آزمایش قرار داد.از کودکان خواسته شد تا تجسم کنند که این تصویر به نظر عروسکی که در اتاق آزمایش قرار داشت و از نقطه‏ای به نقطه دیگر می‏رفت، چگونه می‏رسد.

نتیجه این مطالعه را می‏توان به چهار طبقه تقسیم کرد.

الف)کودکان مرحله اعمال مقدماتی

)pre-operatinal(

کودکانی که سن آنها میان 4 تا 6 سال و نیم بود به جای اینکه تجسم عروسک را از تصویر (1).Jean piaget(1980-1896).روانشناس سوییسی

علوم انسانی دانشگاه الزهرا(س) » شماره 1 (صفحه 51)

بیان کنند تجسم خود را تمرین می‏کردند، و به عبارت دیگر پاسخ خودمدارانه Ego-Centricity دادند.

ب)کودکانی که از 6 تا 7 سال سن داشتند تلاش می‏کردند که پاسخ صحیحی بدهند، لیکن موفق نشدند.

ج)کودکان مرحله عینی 7 تا 9 سال فقط متوجه تغییر تجسم کوه با حرکت عروسک بودند.

د)سرانجام کودکانی که در مرحله عینی دوم )concrete-operational(، یعنی بالاتر از 9 سالگی، موفق به دادن پاسخ صحیح شدند.

اکثر بررسیهایی که بعد از پیاژه انجام شد در چهارچوب تفکر و نتیجه‏گیریهای او از مفهوم فضا و هماهنگی تجسم اشیاء با استفاده از روش مطالعاتی مشابه پیاژه قرار داشت(ر.ک.- پیاژه و همکارانش، 1956).

نتیجه مطالعات و بررسیهای پیاژه تحولی عظیم در روانشناسی رشد و سپس در زمینه تعلیم و تربیت به جای گذاشت، تا جایی که بسیاری از کتابهای درسی بر اساس مراحل تفکر کودکان و هوش و ادراک آنان-که پیاژه در تحقیقات خود به آن اشاره می‏کند-تدوین شد.

روانشناسان یافته‏های آزمایشگاهی خود را غالبابه دنیای واقعی تعمیم می‏دهند، لیکن مطالعات بعد از پیاژه، خصوصادر سالهای اخیر، بر سه موضوع تاکید کرده است: اول اینکه سلسله مراتبی از مهارتها و یا تواناییهای فرعی نیز در فهم و تشخیص و تجسم فضایی اشیاء وجود دارد و هر مرحله با سنی خاص ارتباط می‏یابد.در مطالعه‏ای که توسط فلیول 2 در سال 1978 انجام شد این نتیجه به دست آمد که کودکان سه ساله و نیمه نیز در شرایط خاصی قادر به تشخیص نظر یا تجسم فرد دیگر هستند.اگر پرده‏ای بین دو فرد واقع شود، کودکان واقف خواهند شد که هر فرد می‏تواند فقط یک طرف آن را ببیند.این یافته در سال 1974 توسط محققان دیگری چون ماسانکی 3 و ایزر 4 تأیید شد.

موضوع دوم تاکید بر متغیرهای آزمایش است.در سال 1974 ماسانکی بر این موضوع انگشت گذاشت.به عنوان مثال، تشخیص تجسم فضایی در یک وضعیت ساده، آسانتر انجام می‏پذیرد و توانایی هماهنگی تجسم اشیاء، کنشی است که به پیچیدگی متغیر یا محرک بستگی دارد.مثلا هماهنگ کردن تجسم سه اسباب بازی مشکلتر از یک اسباب بازی است، و یا اینکه هر قدر تصاویر روی کارت بیشتر باشد، اجرای آزمایش در گروههای سنی ضعیف‏تر می‏شود.

در سال 1978، لیبین 5 دریافت که حتی کودکان سه ساله نیز می‏توانند پیش‏بینی کنند که یک ماشین سفید رنگ، به نظر کسی که عینک آبی بر چشم زده است، چگونه می‏آید.چندین محقق دیگر نیز به یافته‏های مشابه رسیدند.وقتی متغیر آزمایش پیچیده نباشد، حتی کودکان کمتر از 3 سال نیز موفق به دادن پاسخهای صحیح و غیر خودمدارانه می‏شوند.سومین موضوعی که تفاسیر پیاژه را در ارتباط با ناتوانی کودکان در هماهنگی تجسم اشیاء در بر می- گیرد، موضوع موقعیت آزمایش است، و از جمله شرایط، پاسخگویی کودکان است.به عنوان مثال، ایبل 6 در سال 1967 پاسخ کودکان 6 تا 7 ساله و 7 تا 9 ساله را که از آنها ابتدا خواسته شد نقطه نظر خود را بیان کنند(آزمایش پیاژه)با پاسخ کودکانی که نظر خود را بعد از نظر شخص ثالث (2).Flavll

(3).Masankey

(4).Elser

(5).Liben

(6).Aebill

بیان کردند، مقایسه کرد و به این نتیجه رسید که درصد خطا در کودکان گروه اول خیلی بیشتر بوده است.کوکس 7 در سال 1975 با به کارگیری نمونه زنده به جای عروسک، یافته‏های ایبل را تأیید کرد.به طور کلی، دو نکته مهم از مرور مطالعات فوق به دست می‏آید:اول اینکه باید به کار برد روش مطالعه در بررسی توانایی کودکان توجه خاص مبذول داشت.ثانیا موقعیت و شرایط آزمایش را باید در نظر گرفت، زیرا در پاسخ کودکان اهمیت بسیار دارد.

برای رسیدن به یافته‏های صحیح و دقیق باید اطلاعات و بررسیهای توانایی و عملکرد کودکان را در موقعیتهای واقعی و طبیعی محیط زندگی آنان جمع‏آوری کرد و به این مسئله خصوصا توجه داشت که پیاژه و همکارانش در تحقیقات خود از الگوهای آزمایشی استفاده کرده‏اند.

و چنانچه یافته‏های اخیر محققان به طور یقین مورد تأیید واقع شود، باید شاهد تحولی جدید در علم روانشناسی رشد-که متاثر از نتایج و تفاسیر پیاژه است-باشیم.

(7).cox